

## سایت «صدای مردم» متعلق به «سربازان گمنام امام زمان» است

با شگردهای جدید وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران بیشتر آشنا شویم

همانگونه که بارها اعلام داشته ایم، دستگاه اطلاعات جمهوری اسلامی ایران بدون وقفه سرگرم تدارک حيله و فتنه انگیزی برای ضربه زدن به جنبش انقلابی و مردمی ایران می باشد. در سالهای گذشته به علت عدم آگاهی بموقع نیروهای مبارز، رژیم توانست مأموران کارکشته خود را به خارج از کشور گسیل دارد و با نفوذ در بعضی از جریانات سیاسی، ضمن ایجاد تفرقه و انشعاب، در مواردی تعدادی از رهبران و فعالین نیروهای اپوزیسیون را به صورت فجیعی به قتل برساند و یا ترور کند.

اکنون وب سائیتی تحت نام «صدای مردم» بوجود آورده است که ظاهراً به حزب توده تعلق دارد. چند روز پیش که اولین بار نام این سایت و یکی از قلم زنان اطلاعاتی معروف آن بنام اشتری لرکی را مشاهده کردیم برایمان بسیار تعجب آور شد. چرا، باشناختی که از حزب توده داریم، بعید دانستیم که در این شرایط این جریان به چنین اقدامات ماجراجویانه و نسنجیده ای دست زده باشد. صرف نظر از ماهیت حزب توده و عملکرد این جریان، ضمن خویشتن داری، چاره ای برایمان باقی نماند جز اینکه علی رغم فقدان هرگونه ارتباطی با حزب توده، موضوع را از کانال بعضی از شخصیتهای سیاسی پی گیری کنیم و از هرگونه پیش داوری و موضع گیری عجولانه بپرهیزیم.

برای این منظور با چند نفر از شخصیتهای سیاسی مستقل تماس گرفتیم. از طریق این دوستان مطلع شدیم که حزب توده گفته است: سایت «صدای مردم» متعلق به حزب توده نیست و بهتر است دوستان شما رد پای این سایت را در پیک نت و اطلاعات جمهوری اسلامی ایران جستجو کنند. آنها همچنین گفته بودند خود قربانی این توطئه ها هستند و در اثبات ادعا، مارا به دیدن اطلاعاتی های صادره در سایت حزب توده ارجاع داده بودند.

لازم به یاد آوری است سایت «صدای مردم» به حدی ماهرانه مواضع و بیانیه های حزب توده را منعکس می کند که بازدید کننده کمترین شکی بخود راه نمی دهد که این سایت متعلق به حزب توده ایران نباشد. بهتر است برای اثبات حقیقت به هردو مورد از اطلاعاتی های حزب توده نیز استناد نمائیم. در بخشی از اطلاعاتی آنها تحت نام «ضرورت هوشیاری رفقا، هواداران و دوستان حزب برای مقابله با توطئه های رنگارنگ رژیم» چنین نوشته اند:

«اخیراً نامه ای جعلی به نام رفیق محمد امیدوار با عنوان «سخن گو از انقلاب...» در راستای همان برنامه های ارتجاع، که کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره آن اظهار نظر کرده است، چاشنی تبلیغات ضد توده ای شده و در یک پایگاه اینترنتی به چاپ رسیده است... آیا انتشار چنین نامه ای آنها پس از اطلاع یافتن از جعلی بودن آن می تواند معنایی جز آب به آسیاب ریختن برنامه ریزان ارتجاع و دشمنان حزب داشته باشد. ما در سال های اخیر و با توجه به برنامه های رنگارنگ رژیم برای تحریک و دروغ پراکنی درباره حزب همواره اعلام کرده ایم و باز هم تأکید می کنیم که مواضع حزب توده ایران و ارگان های رهبری آن تنها در صورت انتشار در «نامه مردم» و پایگاه اینترنتی حزب قابل استفاده و اتکاء است.»

اطلاعیه دوم حزب توده مربوط به تقلب «راه توده» است که خود را حزب توده معرفی کرده و در اجلاس ۴۹ کشور بنمایندهای از طرف حزب توده به میزبانی حزب کار بلژیک مشارکت کرده است. نامه مردم ارگان رسمی حزب توده چنین نگاشته است «در پی تماس رهبری حزب با رفقای حزب «کارگران بلژیک» که میزبانی این نشست را بر عهده داشتند و گفتگوی تلفنی با مسئول شعبه بین الملل این حزب روشن شد که افراد «راه توده» برای اجازه شرکت یافتن در این نشست خود را به دروغ نمایندگان حزب توده ایران معرفی کرده اند. به قول رفیق «بودیون دکرز»، مسئول روابط بین المللی حزب

”کارگران بلژیک“، این افراد با حيله و تقلب خود را نمایندگان حزب معرفی کردند و وارد جلسه شدند. در نامه رسمی شعبه روابط بین المللی حزب ”کارگران بلژیک“ به رهبری حزب ما (30 اردیبهشت، 20 ماه مه)، از جمله می خوانیم:

”رفقای عزیز حزب توده ایران پوزش ما را در زمینه اجازه شرکت دادن به افرادی که خود را نمایندگان توده معرفی می کردند بپذیریدو...“

این اظهارات حزب توده ثابت می کند که سایت «صدای مردم» به این حزب تعلق ندارد و گردانندگان آن بخاطر توهم پراکنی و ایجاد رابطه با سایر جریانات به سوء استفاده از نام حزب توده پرداخته اند. گردانندگان وزارت اطلاعات ماهرانه یکسری مقالاتی از سایر شخصیت‌های سیاسی به سایت «صدای مردم» اضافه کرده و طوری وانمود می نمایند که گویا خیلی ها با این سایت در ارتباطند!

## سوابق ماجرا

اخیرا بدنبال برداشتن اتهامات و رفع موانع فعالیت‌های سیاسی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در فرانسه، همچنین پس از انتشار یک سری اسناد و افشاکری پیرامون خیانت‌های سازمان اکثریت، نامه هایی از افراد ناشناس با مضمون «نصایح پدران» ، سپس بالحن و محتوای دیگر بدستمان رسید. چند روز پیش مطلع شدیم وب سایتی بنام «صدای مردم» مقاله ای به قلم اشتری لرکی و به بهانه دفاع از فرخ نگهدار درج کرده و بر علیه رفقای سازمان ما دست به فحاشی زده است.

لازم به یاد آوری است از آنجا که سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران چهارده سال پیش این مأمور اطلاعاتی رژیم را افشاء کرده است، لذا در حال حاضر هدف ما از پرداختن به این موضوع افشاء ماهیت «صدای مردم» است و نه پاسخگویی به اشتری لرکی ویا فرخ نگهدار. چراکه در شأن خود نمی دانیم به خزعبلات یک مزدور رژیم جمهوری اسلامی ایران وقعی بگذاریم. مامسئولانه و بموقع نقاب از چهره کریه اشتری و سایر «سربازان گمنام امام زمان» گشوده ایم و به هیچیک از اظهارات و گفته های این قبیل افراد ترتیب اثر نمی دهیم. این نوشته در پاسخ به بیژن همتی گرداننده سایت «صدای مردم» در فرانسه هم نمی باشد، چراکه وی آلت دست و مأمور دون پایه ای بیش نیست. مخاطب اصلی ما نیروهای جدی ومسئول در اپوزیسیون ایران می باشند که خود قربانی سیاست‌های ددمنشانه دستگاه اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی ایران گردیده اند، درگذشته عزیزانی را ازدست داده اند و در آینده نیز از سوی نامردمانی نظیراطلاعاتی های متشکل در «صدای مردم» در امان نخواهندبود.

به اعتقاد ما درشرایط کنونی کلیه نیروهای اپوزیسیون ، صرف نظر ازگرایشات و اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک فیما بین، بایستی مسئولانه مراقب باشند تا در دام سیاست های تفرقه افکنانه رژیم گرفتارنشویم. رژیم جمهوری اسلامی ایران درنظر دارد با وارد کردن تهمت و افترا از زبان بخشی از اپوزیسیون به بخشی دیگر، مارا بجان هم بیاندازد. مأموران رژیم می کوشند تا با نفوذ در سازمانها و یا سهل ترین شیوه با ایجاد چند سایت اینترنتی، ابتدا با لینک کردن این یا آن سازمان در صفحه پیوندها، سپس با درج مقالات سنوال برانگیز، وارد کردن تهمت و افترا به نیروهای فعال جنبش، درنهایت بذر نفاق بپاشند و از این رهگذر اهداف تبهکارانه خودرا دنبال کنند. بدیهی است در قدم اول «سربازان گمنام امام زمان» شغل مخالفت با رژیم بر تن کنند و برای جلب اعتماد نیروهای حقیقی اپوزیسیون اظهارات خودرا با چاشنی فحاشی به سران رژیم تکمیل نمایند.

بطور قطع آنها برای پیشبرد اهداف خود نام مردم پسند و درعین حال «دمکراتیک» برمی گزینند. اگر بنا بود آنها با نام و هویت خود به فعالیت بپردازند ضرورتی به ایجاد تشکیلات جدید نداشتند و تحت نام انجمنهای اسلامی بعنوان بازوی

علنی رژیم به فعالیتهای خود ادامه می دادند . شکی نیست اگر وب سایت «صدای مردم» نیز در چارچوب ماهیت و باورهای خویش حرکت می کرد ما اجباری به نوشتن این مطالب نداشتیم ، چراکه نام حقیقی «صدای بی شرفها» احتیاج به هیچگونه توضیح و تفسیری ندارد.

دستگاه اطلاعات جمهوری اسلامی ایران تحت نام «صدای مردم» تلاش مذبوحانه ای کرده است تا یکی از رفقای سازمان چریکهای فدای خلق ایران بنام بهرام ( حسین زهری) را که به حق نقش ارزنده ای در انتشار اسناد بیشمار بر علیه ماهیت دیکتاتوری - تروریستی رژیم جمهوری اسلامی ایران ایفاء کرده است بی اعتبار کند! لاطائلاتی که در این سایت بر علیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نگاشته شده تازگی ندارد و درخور پاسخ نیست . درغیراینصورت ما نیز به دامی گرفتار خواهیم شد که «سربازان گمنام امام زمان» پیش رویمان گسترده اند. برای ما آنچه اهمیت دارد افشاء همه جانبه عناصر اصلی و گردانندگان پشت پرده اطلاعاتی رژیم است تا مبادا در آینده شخص ویا جریان دیگری به دام آنها گرفتار آیند.

بدون شک مطالب مختصر این مقاله بهیچوجه منعکس کننده اعمال دهشتبار «سربازان گمنام امام زمان» بر علیه نیروهای انقلابی و مبارز ایران نخواهد بود. شرح اعمال و جنایتهای مخوف دستگاه اطلاعات جمهوری اسلامی ایران کار جمعی و واکنش همه نیروهای انقلابی و مبارز را می طلبد. خوشحالیم که در این راه تنها نیستیم و اکثر نیروهای حقیقی اپوزیسیون در حد توان از هیچ کوششی در جهت افشاء ماهیت این دستگاه اهریمنی دریغ نمی ورزند.

## ماهیت «سربازان گمنام امام زمان» را بهتر بشناسیم

بخشی از کار کشته ترین مأمورین اطلاعات رژیم که طی چندین سال، سرسپردگی خود را با گذراندن دوره های مختلف در زندانها ، اطلاعات سپاه ، حراست دادستانی ویا ساواما ثابت می کنند، بعنوان «سربازان گمنام امام زمان» ارتقاء مقام می یابند. این افراد در عین حال که شغل معلمی، آشپزی، نگهبانی و یا ریاست یک بانک را به عهده می گیرند، وظیفه اطلاعاتی خود را نیز به نحو احسن انجام می دهند.

باوجودیکه آنها خود را سربازان امام زمان و خادم مردم معرفی می کنند، ولی معلوم نیست چرا اگر اعمالشان درست است سعی می کنند کارهایشان را از مردم مخفی نگهدارند و چرا خود را به جامعه «گمنام» معرفی می کنند! تشکیلاتی که این «گمنامان» را رهبری می کنند خود عالی ترین اصول پنهان کاری را رعایت می کنند و تمام گردانندگان آن از صدر تا ذیل بطور مخفی انجام وظیفه می نمایند. شاید اگر حوادث خاصی نظیر آنچه در سال ۱۹۹۵ در پاریس اتفاق افتاد که در آن واقعه رفقای سازمان ما با شجاعت و مهارت بی نظیری توانستند یکی از «سربازان گمنام امام زمان» بنام اشتري لرکی را به خدمت درآورند، تا امروز هم نمونه مشخصی نبود که به آن استناد جوئیم.

## خصوصیات مشترک «سربازان گمنام امام زمان»

بدون شک کلماتی نظیر «جاسوس ، مزدور ، اطلاعاتی» و امثالهم بخودی خود به حد کافی چندان آور و شنیع می باشند، اما هنگامیکه این الفاظ نه از جانب شکنجه گران و مأمورین رژیم در زندانهای اوین و کمیته مشترک بلکه در وبلاگها، آنهم بنام «مخالفین جمهوری اسلامی ایران» بکار گرفته می شود، قبل از هرچیز اوج درماندگی انسانهایی را گواهی می دهد که از انسانیت فقط شباهتی از انسان برایشان باقیمانده است. «سربازان گمنام امام زمان» در زمره این دسته از آدم نماهایی باشند. این جماعت به هیچکسی ترحم نمی کنند، در برابر هیچ قانونی پاسخگونی باشند و به دستور رهبر تمامی جنایتشان در خاکستر فراموشی مدفون می شود. وجه اشتراک آنها دروغگویی ، تزویر، خشونت ، مال اندوزی ، ریاکاری،

خیانت ، فساد اخلاقی و دریک کلام هرگونه اعمالی است که از جانب انسانهای فرهیخته و مترقی تقبیح می شود.

برخلاف مرام و عملکرد «سربازان گمنام امام زمان» که وظیفه دارند بدون کوچکترین دلیل و مدرکی به هر مخالف رژیم داغ نفرت انگیز جاسوس و اطلاعاتی وارد کنند، نیروهای انقلابی از این روش بیزارند. یک جریان انقلابی اگر به قدرت برسد ویا نرسد، هیچوقت به کسی تهمت نمی زند ، هیچ انسانی را شکنجه جسمی و روحی نمی کند، هیچ مخالفی را تحقیر نمی کند وحتی بخاطر منافع مردم حاضر نمی شود دور از وجدان و شرافت انسانی عمل کند. کاری که «صدای مردم» پیشه خود کرده وازاینکه گردانندگان این جریان از لحاظ فیزیکی شبیه سایرادمها می باشند، عرق شرم بر پیشانی هر شرافتمندی می نشیند. در دنباله این مقاله تمام خصوصیات را که در بالا به ذکر آنها پرداختیم با استناد به اسناد ثابت خواهیم کرد.

### چند تن از «سربازان گمنام امام زمان» درفرانسه ، به روایت اسناد

درسال ۱۹۹۵ هدایت اشتری لرکی ظاهرا رئیس بانک سپه شعبه پاریس ولی در اصل معاون عبدالمجید مجیری رئیس ساواما در فرانسه بود. هم او بود که وسایل سفر عده ای از ایرانیان پشیمان را فراهم می کرد و ضمن هماهنگی با دستگاه اطلاعات رژیم در مرکزبه آنها اطمینان می داد که هنگام برگشت مشکلی نخواهند داشت. بانک سپه در دوره شاه بانک ارتش بود و برای خریدهای تسلیحاتی مورد استفاده قرار می گرفت ، پس از روی کارآمدن رژیم جمهوری اسلامی این سازماندهی دست نخورده باقیماند، به جز رده های بالای بانک که تعویض شدند.

درآن هنگام اکثر خریدهای تسلیحاتی رژیم از طریق فرانسه صورت می گرفت و دسته دسته مأمورین رژیم برای خرید و بازدید تجهیزات به پاریس می آمدند. از طرف رژیم ایران پنج نفر مأمور «عالیرتبه» در جلسات شرکت می کردند که یکی از آنها اشتری لرکی بود. همسر اشتری لرکی بنام مینا عباسی نیزسمت پیشنهاد در سفارت رژیم در پاریس را عهده داربود. اصغرصالحی که ظاهرا در میدان ریابلیک پاریس سالهاست مغازه فرش فروشی دایر کرده است ، همان چماقدارمعروفی است که پس از روی کارآمدن رژیم ، پا بپای وحید گرجی و جعفرجلالی به ضرب و شتم نیروهای انقلابی می پرداخت. وی اهل شهر کرد واز فامیل های نزدیک اشتری لرکی است. تاهنگامیکه جعفر جلالی بعنوان دیپلمات - تروریست رژیم توسط دولت فرانسه از این کشور اخراج نشده بود پاتوق وی در خانه اشتری لرکی بود.

اشتری لرکی هیچگونه تحصیلاتی در زمینه بانکداری ندارد ، ابتدا عضو سپاه پاسداران ، بعدعضو انجمنهای اسلامی و حراست دادستانی شد. وی از فامیلهای محسن رضائی و از همان ایل بختیاری و اهل آغاچاری است. درمجموع ۳۷ نفر از ایل وتبار وی در برخورد با نیروهای انقلابی کشته شدند و خود وی هنگام مقابله با نیروهای انقلابی یک پایش تیر خورده است . پس از مجروح شدن از ناحیه پا فرصتی برای محسن رضائی دست داد تا یکی از مهره های وابسته به خودرا در فرانسه بگمارد. از اینرو ضمن ارتقاء مقام بالاتر به اشتری در دستگاه امنیتی رژیم ، ابتدا بصورت ظاهر به سمت معاونت وپس از چندی به ریاست بانک سپه شعبه پاریس منصوب شد. محسن رضائی که درآن هنگام فرمانده سپاه پاسداران بود، اکثر فرماندهان سپاه را از فامیلهای خود انتخاب کرده بود، هنوزهم تنی چند از آن پاسداران در سمت های بالای سپاه پاسداران انجام وظیفه می کنند.

معمولا درکشورهای دیکتاتوری مثل کشورما اکثر «دیپلماتها» و کسانیکه به شغل نان و آب دارخارج ازکشور منصوب می شوند نیازی به هیچگونه تحصیلاتی در رشته مربوطه ندارند. درجمهوری اسلامی ایران دیپلمات الزاما نباید در رشته سیاست یا حقوق درس خوانده باشد و رئیس بانک احتیاجی به دانش اقتصادی ندارد . دیپلمات می تواند یک آخوند مرتجع حوزه علمیه قم، یک چتر بازی که هنگام فرود دچار عارضه شکستگی پا یا کمر شده ، یک نورچشمی رهبر ویا یک پاسداری

مثل اشتري لركى باشد كه هنگام مقابله با نيروهاى انقلابى تيربه جاى سرش به پايش اصابت كرده است.

## دروغگويى وجه اشتراك «سربازان گمنام امام زمان»

درحاليكه درسايت «صدائى مردم» اشتري ادعا كرده است كه «من نه سياسى بودم ونه هستم» اما :

نامه مورخ اول شهريور ماه ۱۳۸۵ اشتري به روزنامه انتخاب عكس اين گفته سرباز گمنام را ثابت مى كند (آدرس روزنامه <http://www.entekhabnews.com/display/?ID=26724>). اشتري در اين نوشته ثابت كرده است كه وي يكي از پيروان «صف شكن» خمينى «بت شكن» است و از جاىگاه سربازان گمنام امام زمان تلاش كرده است تا آن بخش از جناح اصلاح طلب را كه به زعم وي با هاشمى رفسنجانى اختلاف دارد بر عليه رفسنجانى بشورايد. اصل نامه وي به شرح زير است.

«القاى اين شائبه كه خروش طلاب قم درروز جاويد ۱۵ خرداد فقط خروش محدود به آنها است اشتباه محض است. زمان شاه معدوم هم خروش خمينى را به يك هندی زاده نسبت داده بودند. اما تاريخ ثابت كرد كه خمينى بت شكن بر عليه ظلم وفساد حاكم برسرزمين ايران خروش برآورد. اين طلاب همان سيره حضرت امام را حفظ كردند وبر عليه نماد ظلم وفساد يعنى اكبرهاشمى رفسنجانى وباند دست ساخت او خروش برآوردند. فرياد هرگز در قم خفه نخواهد شد. نه شاه ونه شاه سירתان نميتوانند مقابل اين فرياد بايستند. بعنوان يك مسلمان كه در فرانسه زندگى ميكنم از همه طلاب استدعا دارم نه از خوف باطل و نه از تطميع توسط باطل شك به خود راه ندهند وبه راه حق خود ادامه دهند. هستند كسانى كه با دريافت اجرت از ناحق وباطل دفاع ميكنند. سياست هاى اجتماعى-اقتصادى دولت هاشمى رفسنجانى و تداوم آن سياستها ضرباتى به جامعه مسلمان ايران وارد كرد كه بزودى قابل محو نيستند. نه آمريكا ونه دشمنان خارج از ايران اسلامى هرگز نميتوانستند چنين ضرباتى به جامعه اسلامى وارد كنند كه اين دو نفر وارد كردند. خدا مردم مسلمان را از شر جعفر هاى كذاب حفظ كند. خدا يار وياور شما انتخابى ها هم باشد كه چنين مسؤليت سنگينى را بعهده گرفتيد. لطفاً به كاربران محترم تذكر دهيد كه با نام جعلى يا مختصر مطلب ننويسند اين مطالب حتماً ميتواند در جهت زدودن آثار منفي سياست هاى باطل بكار رود. كه خدا يار وياور شما خالصان راه حق باشد

با احترام هدايت اشتري لركى رئيس سابق بانك سپه پاریس - فرانسه»

پاسخ انتخاب

به خاطر قلم منصفان به شما تبريك ميگويم.

مهدى

حال اين سؤال مطرح مى شود كه اگر اين نامه و اظهارات اشتري سياسى نيست پس چه چيزى درمرام «صدائى مردم» سياست ناميده مى شود؟ تصور مى كنيم براى اثبات دروغگويى و دغلكارى اين بى سیرتان همين يك نمونه كافي باشد.

## «سربازان گمنام امام زمان» يا گرگهائى كه به جان هم افتاده اند

چندين سال است كه محسن رضائى از طريق سايت بازتاب و تابناك ، همچنين در مصاحبه ها و اظهاراتش از سياستى كه در وزارت خارجه رژيم پيش برده مى شود گلایه مندى خود را علنى كرده است. وي گردانندگان وزارت خارجه را افراد بى لياقتى مى خواند و از آنها بنام «باند نيويورك» نام مى برد. باند نيويورك به على اكبر ولايتى ، حميد رضا آصفى و چند نفر ديگر در اين وزارتخانه اطلاق مى شود كه از نيويورك فارغ التحصيل شده اند. از آنجا كه اشتري لركى از ميره هاى سپاه پاسداران است كه به پشتوانه محسن رضائى نردبان ترقى را پيموده است لذا وي نيز همراه و همصدا

بارضائی به پای یکی از مهره های سرسپرده رژیم بنام حمیدرضا آصفی پیچیده است.

همزمان با حمله جناح «اصولگرا» به حجاریان، عباس عبدی و سایر «اصلاح طلبان»، درخارج ازکشورجناح «اصولگرایان» جبهه ای با مشارکت فعال اشتری برعلیه «اصلاح طلبها» گشودند. اگر چه درحال حاضر اشتری از رضائی کمی فاصله گرفته، چراکه رهبری «سربازان گمنام امام زمان» در دست رئیس دفتر خامنه ای است که وی نیز طرفدار احمدی نژاد است. نامه پراکنی های اشتری علیه رفسنجانی و جبهه ای که علیه «باند نیویورک» توسط اشتری رهبری می شود بطور کامل مورد تأیید محسن رضائی قرار نگرفته است. پرت وپلاهایی که اشتری علیه سفیر سابق رژیم بنام آصفی سر هم می کند نیز بر پایه همین درگیریهای جناحی استوار است.

جهت اطلاع خوانندگان هنگامیکه آصفی سخنگوی وزارت خارجه رژیم بود، جناح احمدی نژاد تصمیم گرفت وی را از این سمت بردارد. بین رهبران رژیم بر سر این موضوع اختلاف نظر شدیدی بروز کرد، چراکه همسر آصفی یکی از مهره های سنگین جریان حجتیه در جمهوری اسلامی ایران است و خود آصفی نیز به حد کافی در رهبری رژیم نفوذ دارد. برای این منظور جناح احمدی نژاد از فرزند وفادار گمنام امام زمان، هدایت اشتری لرکی خواست تا با نوشتن نامه ای به احمدی نژاد، موجب فشارقانونی بر آصفی را فراهم کند. اشتری در تاریخ ۱۳۸۴-۶-۱ با الهام از جمله معروف گوبلز وزیر تبلیغات هیتلر که «دروغ هر چه بزرگ تر، تأثیرش بیشتر» است، خطاب به احمدی نژادنامه ای نوشت مبنی بر اینکه: هنگامیکه آصفی سمت سفیر رژیم در فرانسه را عهده دار بوده است، مبلغ شش میلیون دلار از اشتری رشوه خواسته است!! این نوشته فوراً در روزنامه آفتاب چاپ شد و سرانجام احمدی نژاد پیروز میدان رقابتی شد که مدتها بود برسرکنارنهادن آصفی ازپست سخنگویی وزارت خارجه میان سران رژیم اختلاف بود. متن این نامه گفته های ما را نیز تأیید می کند که وی سابق در جنوب ایران پاسدار و عضو انجمن اسلامی بود و پس از آدمکشی های بسیار و مجروح شدن از ناحیه پا به خارج اعزام شد. بخشی از نامه چنین است:

«بنام خداوند رحمان

### جناب آقای دکتر احمدی نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

باعرض تبریک بمناسبت انتخاب جنابعالی بعنوان ریاست جمهورمنتخب امت مسلمان ایران اسلامی، ازجنابعالی استدعادارم به مطالب معروضه تقدیمی عنایت فرمایید.

اینجانب هدایت اشتری لرکی متولد ۱۳۳۰ متاهل دارای ۴ فرزند نکور متولد ۱۳۶۰، ۱۳۶۴، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۸، مسلمان شیعه ساکن فرانسه هستم. مدت ۷ سال معاون و رئیس بانک سپه پاریس بودم.

حسب سابقه موجود در ادارات حراست بانک سپه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اینجانب از اعضای فعال انجمن اسلامی بانک سپه منطقه خوزستان بودم که از ابتدای قیام اسلامی ۱۳۵۷ بطور مستمر در جهت تحکیم و اعتلای نظام اسلامی در ایران تلاش میکردم.

پس از رحلت حضرت امام و جان گرفتن قشر لیبرال ها و تکنوکراتها در ایران اسلامی و متعاقب آن اعمال سیاست اقتصاددبان عرصه بر تلاشگران اصولگرا تنگ و هرکدام را به نوعی گوشه نشین کردند.

هنگام رحلت حضرت امام، اینجانب معاون بانک سپه پاریس بودم. علت انتخاب، تصمیم جناب آقای مجید قاسمی ریاست محترم کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی مبنی بر بکارگیری نیروهای اصیل انقلاب اسلامی درخارج ازکشور بود که اینجانب هم در همین راستا در زمان حیات حضرت امام به عنوان معاون بانک سپه با خانواده به فرانسه آمدم. سال ورود ما ۱۳۶۶ بود. رئیس و معاون اول بانک، پس از مدتی بدلائل امنیتی و حرفه ای از فرانسه به تهران احضار شدند. .... حدود یکسال این عملیات چندجانبه بدون هیچ مشکلی تداوم داشت. تا اینکه جناب آقای حمیدرضا آصفی از اینجانب طلب شش میلیون

دلاررشوه کردند. این درخواست نامشروع سفیر با عکس العمل شدید اینجانب روبرو شد. وازاین جا به بعد بدبختی من و خانواده ام شروع شد. بدلیل فشار های روانی ازسوی آقای سفیر، بیمارشدم. طبق تجویزپزشک به مدت یکماه در استراحت استعلاجی قرارگرفتم.»

ملاحظه می کنید که ضرب المثل معروف چاقو دسته خودش را نمی برد در مورد «سربازان گمنام امام زمان» صادق نیست. چاقوی این جماعت وحشی به هیچکس ترحم نمی کند، حتی به حمیدرضا آصفی که خود در زمره هیئت حاکمه و از مجریان این دستگاه اهریمنی است. نامه اشتری به حد کافی گویاست و ثابت می کند که وی از «تلاشگران اصولگرا» می باشد. سابق در انجمن اسلامی بانک، یعنی همان حراست فعالیت داشته و برطبق تصمیم رهبران رژیم جهت «بکارگیری نیروهای اصیل انقلاب اسلامی در خارج از کشور» وی را ظاهرا به سمت معاون بانک سپه ولی در اصل معاون ساواما در فرانسه گمارده اند. کسیکه نخواهد این حقایق را بپذیرد یامانند سایت «صدای مردم» از کارگزاران خود رژیم است ویا اینکه در خدمت به این یا آن جریان ضد انقلابی خودرا به نفهمی می زند تا از اینطریق آب به آسیاب مخالفین سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سایر نیروهای انقلابی بریزد.

### سربازان گمنام امام زمان چگونه سایرکارمندان دولت در خارج از کشور را کنترل می کنند

یکی از وظایف آدمکشان گمنام این است که در حوزه تحت مسئولیت خود تمام کارمندان دولت اعم از بانکها، افراد شاغل درسفارتخانه ها، کارکنان شرکت ایران ایر و تمام کسانی راکه به نحوی با رژیم کار می کنند زیر نظر بگیرند. گزارشات ماهانه در باره آنها تنظیم و بصورت کتبی به مرکز ارسال دارند.

سند شماره ۱ ثابت می کند که چگونه اشتری لرکی خطاب به رئیس حراست بانک سپه در باره سایر کارکنان رژیم درفرانسه جاسوسی می کرده و گزارشات خودرا مستقیم برای رئیس حراست در تهران می فرستاده است. این گزارش در تاریخ ۳۰/۰۸/۹۵ خطاب به تاجیک ریاست اداره حراست بانک سپه نوشته شده و رسید فکس شده این گزارش ضمیمه است.

سند شماره ۲ نامه تاجیک به اشتری لرکی است.

سند شماره ۳ ثابت می کند که چگونه هنگامیکه وی از جانب جناح «اصلاح طلب» رژیم زیرسئوال قرارگرفت با هماهنگی اداره حراست توانست باردیگر با ادعای اینکه یک «بچه مسلمان» است در پست خود در فرانسه ابقا شود.

سند شماره ۴ هماهنگی اشتری با حراست تهران بمنظور کنار زدن رئیس اداره بین الملل بانک را گواهی می دهد.

سند شماره ۵ ثابت می کند که چگونه هر وقت رژیم ایران در تنگنای مالی قرارداشته است اشتری لرکی با یک سری مدرک سازیهای قلبی وبدون پشتوانه وامهای یکصد میلیون دلاری و بیشتر برای رژیم ایران دریافت می کرده است.

سند شماره ۶ ثابت می کند که برای اخذ وام یکصد میلیون دلاری که قراربوده است برای تأمین نیاز های مالی مجتمع آلومینیوم المهدی بکار گرفته شود چه سر و سری با آصفی سفیر وقت رژیم در فرانسه داشته است. المهدی یکی از شرکتهای دولتی است که درگیر ساخت سایت های اتمی رژیم می باشد.

سند شماره ۷ ثابت می کند که آصفی و اشتری بعنوان دو مأمور بالای رژیم در فرانسه موفق شده اندبا سفته بازی در بانکهای سوئیس مبلغ یکصد میلیون دلار دیگر برای رژیم دست و پا کنند.

سند شماره ۸ رابطه اشتری با جناح احمدی نژاد و پشتیبانی وی از فاطمه رجبی معروف به فاطمه کوماندو را برملا می کند. وی در دفاع از فاطمه کوماندو می گوید

«اگر خانم رجبی بعنوان یک زن به این افشاگری میپردازد کسانی که ظاهرا فاقد این شجاعت هستنداگر مردانگی ندارند حد اقل مانع این شیردلان نشوند و...»

سند شماره ۹ نامه معشوقه اشتری به «سرباز گمنام امام زمان».

سند شماره ۱۰ نزدیکی و پشتیبانی اشتری لرکی را ثابت می کند که خطاب به احمدی نژاد می گوید «من در فرانسه هستم با جان و دل کلمات اندیشمندان احمدی نژاد را حس میکنم. من یکی فدای صداقت و شهامت این مسلمان بشوم . هدایت اشتری لرکی». این خزعبلات را اشتری در دفاع از سخنرانی احمدی نژاد در دفاع از فاطمه رجبی نوشته است . این سخنرانی احمدی نژاد تحت نام «فاطمه رجبی مردانگی کرده است» سروصدای زیادی بین نیروهای مخالف احمدی نژاد برآورد.

سند شماره ۱۱ ثابت می کند که چگونه این «سرباز گمنام امام زمان» همانند شیادان و رمالان آیه بقره را که در قرآن با الم شروع می شود برای جلب نظر بیشتر علی ناظر در سایت دیدگاه به انگلس و لنین و مارکس ربط می دهد و علی ناظر هم برای توجیه اعمال مجاهدین خلق ، پاسخ مضحک تر و بی ربط تری به اشتری می دهد و در نهایت هردو در کنار هم خوشحال و خندان، به تمرین «دمکراسی و حقوق بشر » ادامه می دهند!!

سند شماره ۱۲ نشان می دهد که چگونه اشتری در دفاع از فاطمه رجبی و احمدی نژاد علیه هاشمی رفسنجانی موضع گیری می کند تا جائیکه در دفاع از فاطمه کوماندو می گوید «حدیث معصوم شامل زن مسلمان نمیشود چرا که زن مسلمان بی حیا نیست».

ما ترجیح می دهیم برای جلوگیری از اتلاف وقت بیشتر خوانندگان ، بقیه اسناد را در وب سایت سازمان قرار دهیم ، علاقمندان می توانند کلیه اسناد جاسوسی و خیانت‌های این مزدور حرفه ای جمهوری اسلامی را در سایت سازمان ملاحظه و یا کپی آنها را بردارند.

### «زن مسلمان بی حیا نیست» ولی «سربازان گمنام امام زمان» بی حیاند

سرباز «گمنام امام زمان» در سایت «صدای مردم» ، و امثالهم ادعا کرده است: هنگامیکه در «گروگان» فدائیان خلق بوده است، ۱۹ ماه را در «اسارت» و تحت شرایط طاقت فرسای زندکی کرده است. در ادامه همین نوشته های بی سر و ته در جای دیگری ادعا کرده است در دوران اسارتش در خانه ای پذیرائی شده که استخر هم داشته است (استخر نزدیک خانه اش بوده است) . وی فراموش کرده است یک سری فشارهای دیگری هم که به او و خانواده اش وارد شده است را برشمرد. از جمله داشتن دو عدد موبایل که سند ریز تماس‌هایش را با اداره حراست و دستگاه جاسوسی فرانسه در پاریس به ضمیمه منتشر میکنیم. همچنین یادش رفته از ثبت نام فرزندانش در مدرسه ، باشگاه‌های ورزشی و سایر مراکز آموزشی و تربیتی سخنی بگوید. برآستی این چگونه گروگانی بوده که هم در یک پایتخت اروپایی آزاد بوده ، هم دوعدد تلفن موبایل داشته و هم هر روز به ایران و سایر کشورها زنگ می زده است؟!

اما بدتر از همه دروغ‌های تمام نشدنی اش ، اظهاراتی است که گفته «زن مسلمان بی حیا نیست» ! اگر منظور از حیا ، شرف و انسانیت است پس باید این صفت شامل حال هم مرد و هم زن مسلمان باشد، چرا فقط زن باید باحیا باشد؟ مطمئن هستیم اگر این بی حیا خبر داشت که ما سند بی حیائی او را در اختیار داریم ، علی رغم همه دنائت و پستی هایی که در او سراغ داریم ، در این مورد سخنی نمی گفت. اما اصل حقیقت:

هنگام «اسارت» این جرسومه فساد ما متوجه شدیم که از یک موضوعی بسیار رنج می برد. همیشه پریشان خاطر بود و آه می کشید. بالاخره روزی دردش را بایکی از رفقای ما در میان گذاشت و کنجکاوای ما از آن هنگام پیرامون وی بیشتر از قبل شد. وی به دروغ به رفقای ما گفته بود، هنگامیکه در فرانسه بوده است با خانمی ارتباط داشته که این خانم علاقه زیادی داشته فعالیت سیاسی کند ، حیف که رابطه ما قطع شد؟! مشکل در اینجاست که نمی شود وی را به کسی معرفی کرد و فقط خودش باید با من (باشتری) در ارتباط باشد. از رفقای ما خواسته بود تا آدرسی را در اختیارش قرار



دهیم که نامه هایش رافقط خودش باز کند و اگر خانم آمادگی کامل برای فعالیت سیاسی داشت بعدا به رفقا معرفی کند!! برای ما که این شخص و ماهیتش را خوب می شناختیم این اظهارات کودکانه آمد. به قول عوام : کور شود آن بقالی که مشتری اش را نشناسد!

ما پس از شنیدن اظهارات وی ابتدا نگران بودیم که بخواهد با کسانی ارتباط بگیرد که به این بهانه رفقای ما را گرفتار کند. با این وجود تصمیم گرفتیم ابتدا خانم را شناسایی کنیم، سپس آدرسی در اختیارش بگذاریم. پس از بررسی های پیرامون قضیه ، از طریق مکاتبات این دو آغاز شد. باکمال تعجب متوجه شدیم که این ارتباط عاشقانه است و «فرزند گمنام امام زمان» علاوه برداشتن همسر با یک خانم جوان سی ساله که از شوهرش طلاق گرفته بود در ارتباط است. با وجودیکه می دانستیم این «گمنام» تحمل قطع رابطه با محبوبش را ندارد، اما وقتی موضوع برایمان کاملا روشن شد این ارتباط را قطع کردیم و تنفرمان روز بروز از او بیشتر شد. در دوره ای که این دو بایکدیگر نامه های عاشقانه رد و بدل می کردند، علامت رمزی هم بایکدیگر داشتند، آنها هنگام نگاشتن نامه در آخر نامه برای یکدیگر می نوشتند « دستت بهتره ». این علامت رمز به طرف مقابل می فهماند که نامه قبلی صحیح و سالم بدستم رسیده (بازنشده بوده) و طرف مقابل می تواند اقدام به پاسخ نامه بنماید!!

در بخشی از این نامه، دلبر «سرباز گمنام امام زمان» خطاب به اشتری نوشته است « آقای اشتری.... به خود می بالم پذیرای ناآشنائی شدم که هدف داشت و به آرزویش رسید... هنوز مثل بهت زده ها راه می روم زمان آن نبود که تنها شوم . بدان از تو خاطرات فراموش ناشدنی دارم ، خاطرات خیلی خیلی ساده ، اکثر روزها حدود غروب منتظر تلفن تو هستم و... امضاء دستت بهتره - پاریس ۴ ژانویه ۹۶

آیا برآستی درمرا این انسان نماها هیچ وجدان و یا آثاری از شرافت انسانی پیدا می شود ؟ بطور قطع خیر. حال چگونه عده ای که خود را ظاهرا اپوزیسیون می نامند با چنین بی حیاهایی همسو شده و با آنها به کار «سیاسی» دست می زنند!

برای ما کاملا قابل پیش بینی بود که قطع رابطه این بی حیا بامعشوقه اش در پاریس نه فقط به «بهرتر شدن دستش» کمک نخواهد کرد بلکه این بیماری به مغزش هم سرایت خواهد کرد. اما تحمل این قبیل افراد، حتی به قیمت اینکه برایمان مشکل آفرینی نکنند، باز هم میسر نبود و نخواهد بود. از آن پس اشتری برای رفتن به پاریس بیشتر بی قراری می کرد. هراز گاهی همسر وی به خانه اش سر می زد و گاهی بچه هایش، اما مشکل خودش برجای مانده بود.

سرانجام طی یکسری هماهنگی هایی که با دستگاه اطلاعات رژیم بوجود آورد قرار شد در خانه مسکونی اش دیداری با رفیق بهرام داشته باشد. ما آگاهانه تمام تحرک و ارتباطاتش را زیر نظر گرفته بودیم . متوجه شدیم پیشاپیش چند نفر از تروریستهای رژیم به آن خانه آمده بودند و چند روز بود که هیچ ترددی به بیرون از خانه نداشتند. روزیکه قرار بود رفیق بهرام به خانه وارد شود یکی از رفقا سر زده به خانه اشتری رفت و به او گفت یک کاری پیش آمده که می خواستیم قبل از اینکه رفیق بهرام بیاید باتفاق تا مرکز شهر برویم. اشتری رابه کافه ای در مرکز شهر آوردند و با کمال تعجب با رفیق بهرام و چند رفیق دیگر روبرو شد. از شدت بهت و ناراحتی هیچ نوشیدنی از گلویش پائین نرفت. به او گفته شد بهتر است کاری نکنی که برای خودت درد سر بیافرینی، همین و بس، بقیه ماجرا را و منظور ما را خوب می فهمی.

اشتری از آنجا رفت و نقشه ساواما عوض شد. بلافاصله با وزارت کشور فرانسه تماس گرفتند و با هماهنگی چند نفر از دیپلمات - تروریست های رژیم و استفاده از دو اتومبیل رنوی سفید رنگ در حالیکه رفقای ما از دور شاهد بودند حدود ساعت ۶ صبح از پارکینگ زیر زمین خانه عازم پاریس شدند. سنداخرین تماسهای تلفنی اشتری با وزارت کشور فرانسه و اداره حراست دادستانی در تهران ضمیمه است.

## چرا «سربازان گمنام امام زمان» رفیق بهرام (حسین زهری) را هدف

### تبلیغات سوء خود قرار داده اند؟

علت این امر آن است که از سال ۱۳۶۱ تاکنون ده ها سفارتخانه و دفاتر هواپیمائی رژیم جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور به تسخیر هواداران سازمان درآمده است. در تمام موارد اسناد با ارزش بسیاری از این جاسوسخانه ها خارج شده است. چه هنگامیکه رفیق بهرام در ایران بود ، چه بعد که به کردستان و خارج از کشور آمد در تمام موارد، اینگونه عملیات با نظارت و تحت مسئولیت این رفیق بوده است. از تسخیر سفارت رژیم در فرانسه در سال ۱۳۶۱ تا بعدها بترتیب سایر سفارتخانه های رژیم در کشورهای بلژیک ، انگلستان ، آلمان، نروژ ، هلند، کانادا ، سوئد، فنلاند ، سوئیس و... نه یک بار بلکه بارها مورد هجوم هواداران سازمان قرار گرفته است.

علاوه براین انتشار اسناد فروش نفت عراق توسط سپاه پاسداران ایران ، آنهم در شرایطی که رژیم عراق تحت محاصره اقتصادی بود ، انتشار اسامی ۱۴ تن از تروریستهای رژیم که بیش از هفت نفر از آنها مخفیانه در سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس زندگی می کردند ، برملا کردن روابط محرمانه دولت هاشمی رفسنجانی با آمریکا و اروپا و افشاء ماهیت قراردادهایی نظیر ترکمن چای به نفع فرانسه ، افشاء اسرارفروش راکتور اتمی - صنعتی فرانسه به رژیم ایران ، برملا کردن فروش تسلیحاتی دولت فرانسه از جمله فروش رادارهای رازیت به رژیم دیکتاتوری - مذهبی ایران، انتشار اسناد مربوط به بانک بن لادن که در سوئد تاسیس گردیده بود و یکی از منابع بانکی رژیم جمهوری اسلامی ایران برای گشایش اعتبار محسوب می شد ، افشاء و انتشار اسناد انتقال ۲۵۰ تن طلا از زوریخ سوئیس در سال ۲۰۰۷ به ایران و ده ها موارد دیگرکه بموقع اسناد آنها منتشر شده است.

علاوه بر موارد فوق در سال ۱۹۹۴ هنگامیکه ترورهای رژیم در خارج از کشور به اوج خود رسیده بود و تا آن زمان در فرانسه فقط هفت نفر از رهبران اپوزیسیون را ترور کرده بودند که آخرین آنها شاپور بختیار بود ، رفقای ما به چاره اندیشی نشستند. در آن هنگام دولت فرانسه با انعقاد قراردادهای کلان با سران رژیم ایران، تازه وارد بازار پر سود ایران شده بود و دست آدم کشهای رژیم در فرانسه را باز گذاشته بود. در آن هنگام رفیق بهرام نیز سه بار مورد هدف تروریستی جمهوری اسلامی ایران در فرانسه قرار گرفت که در هر سه مورد تروریستهای اعزامی رژیم ناکام شدند.

در کتاب اسناد میکونوس که به همت آقایان مهران پاینده ، عباس خداقلی و حمید نوذری توسط نشر نیما منتشر شده است، در صفحه ۱۴۵ کتاب، درکیفرخواست دادستان دادگاه میکونوس علیه متهمین جنایت در برلن آلمان چنین آمده است « تعقیب و مراقبت حسین زهری عضو سازمان چریکهای فدایی خلق ، فردی به نام امین منتظر او را تحت نظر قراردادده بود.» جهت اطلاع امین منتظر تروریست معروف لبنانی و همان فردی است که در ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه روز دهم ماه مه ۱۹۹۰ به اتفاق دو تن عرب - ایرانی دیگر در پاریس به خانه ای حمله کردند که تصور می کردند رفیق بهرام در آنجا زندگی میکند، درحالیکه فقط آدرس رسمی رفیق در آن محل ثبت شده بود. تروریست ها وقتی فهمیدند افراد حاضر در آن آپارتمان هیچیک رفیق بهرام نیستند و رفقای ما قصد دستگیری آنها را داشتند فرار کردند. در همان زمان برای اولین بار عکس امین منتظرکه چند سال بعد در عملیات میکونوس دستگیر شد توسط سازمان چریکهای فدایی خلق ایران منتشر شد.

حرکی که در چند هفته گذشته توسط عوامل رژیم جمهوری اسلامی ایران و از طریق چند سایت اینترنتی وابسته به رژیم بر علیه رفقای ما نشان داده می شود، نشانه بیم وهراسی است که رژیم جمهوری اسلامی ایران از فعالیت های آتی ما در سر می پروراند. در همین رابطه به کلیه هواداران سازمان یاد آور می شویم ، درکمال متانت از هرگونه حساسیت و واکنش نسبت به فحاشی هایی که نسبت به رفقای مسئول سازمان راه افتاده است خود داری کنند. تلاش کنند بهیچ عنوان

مواضع سیاسی خود را در مورد سایر نیروهای انقلابی و حتی غیر انقلابی، از طریق وب سائتها منعکس نکنند. علی رغم تمام احتیاط ها چه بسا که عوامل رژیم جمهوری اسلامی ایران به نام هواداران سازمان به بعضی جریانات سیاسی پرخاش کنند و آنها نیز نسنجیده اینگونه اعمال را به حساب سازمان بگذارند. امیدواریم نمونه برخورد و متانت ما در مورد یکی از سائتهای وزارت اطلاعات بنام «صدای مردم» که در نظر داشت ما را با حزب توده درگیر کند سرمشتقی برای سایر رفقا قرار گیرد. مطمئن باشید عوامل رژیم دیر یا زود رسوا خواهند شد و آن بخش از عناصر و جریاناتی هم که به ظاهر ماسک دمکراتیک بر چهره زده اند، سرانجام نقاب از چهره کریه اشان گشوده خواهد شد. عرصه مبارزه سائتهای انترنتی نیست، هرکسی به حد شعورش اظهار نظر می کند. آنها که فحاشی می کنند و یابدون سند و مدرک سخن می گویند نیز همین اندازه شعور دارند.

به قول نظامی که :

سگ بر آن آدمی شرف دارد که چو خر دیده بر علف دارد

### لطفا برای دیدن سند مورد نظر خود روی شماره سند فشار دهید:

**سند شماره ۱** می کند که چگونه اشتتری لرکی خطاب به رئیس حراست بانک سپه در باره سایر کارکنان رژیم در فرانسه جاسوسی می کرده و گزارشات خود را مستقیم برای رئیس حراست در تهران می فرستاده است. این گزارش در تاریخ ۳۰/۰۸/۹۵ خطاب به تاجیک ریاست اداره حراست بانک سپه نوشته شده و رسید فکس شده این گزارش ضمیمه است.

**سند شماره ۲** نامه تاجیک به اشتتری لرکی است.

**سند شماره ۳** ثابت می کند که چگونه هنگامیکه وی از جانب جناح «اصلاح طلب» رژیم زیرسئوال قرار گرفت با هماهنگی اداره حراست توانست بار دیگر با ادعای اینکه یک «بچه مسلمان» است در پست خود در فرانسه ابقا شود.

**سند شماره ۴** هماهنگی اشتتری با حراست تهران بمنظور کنار زدن رئیس اداره بین الملل بانک را گواهی می دهد.

**سند شماره ۵** ثابت می کند که چگونه هر وقت رژیم ایران در تنگنای مالی قرار داشته است اشتتری لرکی با یک سری مدرک سازیهای قلابی وبدون پشتوانه وامهای یکصد میلیون دلاری و بیشتر برای رژیم ایران دریافت می کرده است.

**سند شماره ۶** ثابت می کند که برای اخذ وام یکصد میلیون دلاری که قرار بوده است برای تأمین نیاز های مالی مجتمع آلومینیوم المهدی بکار گرفته شود چه سر و سری با اصفی سفیر وقت رژیم در فرانسه داشته است. المهدی یکی از شرکتهای دولتی است که درگیر ساخت سایت های اتمی رژیم می باشد.

**سند شماره ۷** ثابت می کند که اصفی و اشتتری بعنوان دو مأمور بالای رژیم در فرانسه موفق شده اند با سفته بازی در بانکهای سوئیس مبلغ یکصد میلیون دیگر برای رژیم دست و پا کنند.

**سند شماره ۸** رابطه اشتتری با جناح احمدی نژاد و پشتیبانی وی از فاطمه رجبی معروف به فاطمه کوماندو را برملا می کند. وی در دفاع از فاطمه کوماندو می گوید»

**سند شماره ۹** نامه معشوقه اشتتری به «سرباز گمنام امام زمان.

**سند شماره ۱۰** نزدیکی و پشتیبانی اشتتری لرکی را ثابت می کند که خطاب به احمدی نژاد می گوید «من در فرانسه هستم با جان و دل کلمات اندیشمندان احمدی نژاد را حس میکنم. من یکی فدای صداقت وشهامت این مسلمان بشوم هدایت اشتتری لرکی». این خزعبلات را اشتتری در دفاع از سخنرانی احمدی نژاد در دفاع از فاطمه رجبی نوشته است. این سخنرانی وی بنام «فاطمه رجبی مردانگی کرده است» سروصدای زیادی بین نیروهای مخالف احمدی نژاد براه انداخت.

**سند شماره ۱۱** ثابت می کند که چگونه این سرباز گمنام امام زمان، همانند شیادان و رمالان آیه بقره را که در قرآن با الم

شروع می شود برای جلب نظر بیشتر علی ناظر در سایت دیدگاه به انگلس و لنین و مارکس ربط می دهد و علی ناظر هم برای توجیه اعمال مجاهدین خلق ، پاسخ مضحک تر و بی ربط تری به اشتیری می دهد و در نهایت هردو در کنار هم خوشحال و خندان، به تمرین «دمکراسی و حقوق بشر» ادامه می دهند!!

**سند شماره ۱۲** نشان می دهد که چگونه اشتیری در دفاع از فاطمه رجبی و احمدی نژاد علیه هاشمی رفسنجانی موضع گیری می کند تا جائیکه در دفاع از فاطمه کوماندو می گوید «حدیث معصوم شامل زن مسلمان نمیشود چرا که زن مسلمان بی حیا نیست».

برای دیدن جزئیات تماسهای تلفنی اشتیری با دستگاه امنیتی رژیم جمهوری اسلامی ایران در تهران و سرویس جاسوسی فرانسه در پاریس **این قسمت را فشار دهید**